

آموزش شهروندی و ضرورت تربیت شهروندی

یونس قیصی زاده

کارشناس ارشد علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر

چکیده

هدف کلی این تحقیق آموزش شهروندی و ضرورت تربیت شهروندی، روش تحقیق توصیفی- کتابخانه ای می باشد، آموزش شهروندی ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه می باشد، در واقع آموزش شهروندی و تربیت شهروندان در یک جامعه باعث این می شود که سه عنصر اصلی شهروندی چون "نظام حقوقی"، "حس عضویت ملی" و "حس تعلق و وابستگی اجتماعی" در وضعیت ارتباطات بین فرهنگی هر جامعه ای اثرگذار باشد، آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت و نهادهای قانونگذار، سازمان های ملی و محلی، تشکل های مدنی و... از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت؛ در این راستا بخشی از این آموزه ها در مورد انتظارات از مدیریت شهری جامعه است و همچنین نقش شهروندان در قبال مدیریت شهری را آموزش می دهد، نتایج این تحقیق برای آموزش و تربیت شهروندی ضروری می باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش، شهروندی، تربیت، مدیریت شهری، مردم.

مقدمه

آموزش شهروندی در واقع ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه می‌باشد؛ که فرد را برای کسب فرهنگ شهروندی جامعه محل زندگی خود در ابعاد "محل- ملی و جهانی" آماده می‌کند. چنین آموزه‌هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و از مهارت‌های لازم برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی- اجتماعی- فرهنگی- اقتصادی و دینی برخوردار است. از نظر بلا^۱ جامعه‌شناس آمریکایی، تربیت و آموزش شهروندمدارانه نباید دربرگیرنده نفع فردی باشد، بلکه باید این آموزش‌ها جستجویی برای مساوات‌طلبی و برابری شهروندی باشد. این آموزش‌ها باید به روابط اجتماعی بین افراد و روابط افراد و نهادهای ساختار نظام اجتماعی مربوط شود. به طور کلی آموزش و پرورش و آموزش عالی هر جامعه‌ای از طریق این تعلیمات به دنبال جامعه‌پذیری عمومی، ادغام و سازگاری اجتماعی شهروندان می‌باشند. (شربتیان، ۱۳۸۷)

ویژگی‌های متفاوت و مشترک آموزش شهروندی

در سال ۱۹۹۴، انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به انجام پژوهشی تطبیقی با عنوان ویژگی‌های متفاوت و مشترک آموزش شهروندی در ۲۴ کشور جهان پرداخت. محققان این پژوهش در پایان بررسی‌های خویش، یک شیوه معتبر برای مفهومی کردن یکسان رویکردهای آموزش شهروندی بر مبنای اهداف و مقاصد در نظر گرفته شده برای این گونه آموزش‌ها مطرح می‌کنند که شامل سه هدف کلی به شرح زیر است:

آموزش درباره شهروندی^۲

آموزش از طریق شهروندی^۳

آموزش به منظور شهروندی^۴

آموزش درباره شهروندی بر آماده کردن دانش‌آموزان و افراد از نظر دانش کافی و درک تاریخ ملی و ساختارهای زندگی سیاسی و مدنی متمرکز است.

آموزش از طریق شهروندی مستلزم یادگیری دانش‌آموزان و افراد از طریق انجام فعالیت‌های کاملاً فعال تجربه‌های مشارکتی در مدرسه یا جامعه محلی و فراتر از آن است.

آموزش به منظور شهروندی، جدا از این که دو رویه مذکور را در بر دارد، افراد و دانش‌آموزان را به یک سری ابزارها (شامل دانش و درک مهارت‌ها و نگرش‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌ها) مجهز می‌کند و آنها را قادر می‌سازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در نقش‌ها و مسئولیت‌هایی که در زندگی بزرگسالی با آن روبه‌رو خواهند شد، داشته باشند. این رویه، آموزش شهروندی را با کل تجربه آموزش دانش‌آموزان پیوند می‌دهد.

محققان این پژوهش در پایان بررسی‌های تطبیقی خود، جدولی ارائه می‌کنند که در آن سازماندهی برنامه درسی آموزش شهروندی در مقطع ابتدایی (سنین ۵ تا ۱۱ سال) در کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. اطلاعات جدول آنان حاکی از آن بود که:

الف) آموزش شهروندی در کلیه کشورهای تحت مطالعه، قسمتی از برنامه رسمی مدارس ابتدایی را شامل می‌شود.

ب) آموزش شهروندی تحت عنوان‌ها و درس‌های متفاوتی ارائه می‌شد که عمدتاً به نام مطالعات اجتماعی یا تعلیمات اجتماعی معروف بود.

ج) در بیش‌تر کشورهای مورد مطالعه، شیوه آموزش و رویکرد به آموزش‌های شهروندی به صورت تلفیقی از موضوع‌ها یا درس‌های بین رشته‌ای بود.

^۱ -Bella

^۲ -Education about Citizenship

^۳ -Education through Citizenship

^۴ -Education for Citizenship

د) زمان اختصاص یافته برای آموزش‌های شهروندی برحسب اهداف و کاربرد آن در کشورهای مورد مطالعه متفاوت بود. این محققان به این نکته نیز اشاره می‌کنند که آموزش شهروندی در حوزه آموزش‌های مدرسه‌ای محدود نمی‌شود، بلکه باید در درون خانواده، مدرسه، جامعه، محل کار و به وسیله سایر نهادها و بنیادهای اجتماعی به صورت آموزش تا پایان عمر افراد ارائه شود. (آقازاده، ۱۳۸۵)

در واقع آموزش شهروندی و تربیت شهروندان در یک جامعه باعث این می‌شود که سه عنصر اصلی شهروندی چون "نظام حقوقی"، "حس عضویت ملی" و "حس تعلق و وابستگی اجتماعی" در وضعیت ارتباطات بین فرهنگی هر جامعه‌ای اثرگذار باشد، بر این اساس نقش ارتباطات آموزش و قانون که معطوف به تفاهم و تعامل با یکدیگر است از موثرترین پیوندهای اجتماعی برای کاهش مسائل و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی در شهر، جامعه و حتی جهان می‌تواند باشد. آموزش شهروندی چندلایه است؛ که این مولفه چندین بعد خواهد داشت، این ابعاد بیشتر حول محورهای حقوق فردی و اجتماعی سوق یافته است؛ و منجر به شناخت عوامل احساسی شهروندی و حقوق متقابل آن‌ها نسبت به یکدیگر شده است. آموزش‌های شهروندی یک قدرتی است که بصورت چتر پهن شده است که تمام افراد یک جامعه را که احساس تعلق و عضویت در یک جامعه را می‌کنند تحت پوشش قرار می‌دهد؛ و همچنین سطح تعلق به فرهنگ و دولت را بازگو می‌کند. (شربتیان، ۱۳۸۷)

آموزش شهروندی و الگوهای آن

آموزش شهروندی و الگوهای آن در جامعه این گونه است که اول: آموزش‌های شهروندی منجر به شناخت زندگی فردی-اجتماعی- فرهنگی- ملی- دینی- مدنی در کشور می‌شود که جزء اولین اصول مهارت‌هایی است که باید آموزش و پرورش و آموزش عالی به دانش‌آموزان و دانشجویان فرا دهد.

دوم: بخش دیگری از این مهارت‌ها شامل سلامت جسمانی و بهداشت فردی و زیست محیطی است که باید آموزش و پرورش این گونه مهارت‌ها را به افراد یک جامعه در قالب برنامه‌ریزی درسی حفظ نماید و توسعه ببخشد تا از این طریق رضایت از زندگی برای افراد یک جامعه علی‌الخصوص در یک جامعه شهری که پیامدها و مشکلات آنان رو به افزایش است برای فرد و دیگران آسان کند.

سوم: باید افراد یک جامعه یاد بگیرند که به نظم و قانونمداری و عدالت در همه حال توجه کنند و در تمام امور که انجام آن را برعهده دارند احساس مسئولیت نمایند.

چهارم: در این گروه باید آموزش و پرورش مناسبات اجتماعی، همدلی، همدردی، کمک‌رسانی، رشد مهارت‌های زبانی و سایر ارتباطات انسانی را جهت تعامل موثر و ثمربخش بصورت برابر گونه بین افراد یک جامعه تقویت و بسط دهد.

پنجم: در این بخش نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی باید شهروندان جامعه را با هویت و شخصیت فردی، خانوادگی و اجتماعی از همان کودکی - نوجوانی و جوانی آشنا کنند، فرزندان ما را به فراگیری مهارت‌های شغلی و آینده‌نگری تشویق کنند؛ که این مسئله باعث نهادینه‌گردیدن دقت، نظم و مسئله پیگیری و نوآوری در افراد شده که منجر به شکل‌گیری هویت اجتماعی و اقتصادی افراد می‌گردد.

ششم: حکومت و دولت در قالب سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی چون آموزش و پرورش و آموزش عالی و... باید شرایطی را فراهم کند که شهروندان بتوانند به درستی خود را بشناسند و بر اساس شناختی که از استعدادها و خلاقیت‌های خود دارند شیوه زندگی خود را در قالب اهداف "کوتاه‌مدت- میان‌مدت و درازمدت" در راستای تحقق آرزوها، سعادت انسانی و توسعه همه‌جانبه پی‌ریزی نمایند.

هفتم: بخش دیگری از مهارت‌های شهروندی بدین گونه در زندگی اجتماعی است که شهروندان را به تفکر درست، واقع‌بینانه، منطقی و هوشیارانه همچنین خلاق و انتقادی جهت توانایی حل مسائل مجهز کند. هشتم: وظیفه دولت این است که برای اینکه شهروندان را به آموزش مهارت‌های زندگی شهروندان در یک جامعه دموکراسی‌گونه تشویق و ترغیب نماید، از مشارکت

خانواده، بهره‌گیرد زیرا تاثیرات انکارناپذیری این نهاد بر چگونگی دستیابی مهارت‌های زندگی و شکل‌گیری هویت و شخصیت افراد از همان دوران کودکی اثرگذار است. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵)

در حقیقت در آموزش رسمی شهروندی که از طریق آموزش و پرورش صورت می‌گیرد، آموزه‌های شهروندی از همان دوران کودکی به گونه‌ای است که کودک را درگیر مشارکت همه‌جانبه با اجتماع و محیط پیرامون خود می‌کند؛ همچنین تصمیم‌گیری و قضاوت عادلانه در روابط اجتماعی را آموزش می‌دهد و احترام متقابل را در هویت‌های قومی، زبانی، نژادی، فرهنگی و جنسیتی را برای فرد بوجود می‌آورد. این فرآیند در نهادهای آموزش رسمی جامعه منجر به پرورش شهروندی فعال می‌گردد؛ که این مهارت در این عرصه شامل ۱- تقویت شیوه‌های همکاری و کارگروهی. ۲- تصمیم‌گیری به شیوه شورایی. ۳- توانایی بخشیدن به افراد برای استدلال و نقد کردن. ۴- تقویت مهارت‌های مؤثر ارتباطی. ۵- مدیریت مشترک فعالیت‌ها و کارهای محلی. ۶- تقویت گفتگو و مهارت‌های مشارکتی و... می‌گردد. (شربتیان، ۱۳۸۷)

آموزش شهروندی از منظر تربیتی

در هر جامعه‌ای برای تربیت شهروندان، به آموزش شهروندی در مراحل مختلف زندگی خصوصاً در زمان کودکی و بوسه آموزش رسمی، اهمیت زیادی داده می‌شود. در این مسیر سعی می‌گردد که آموزش مولفه‌های شهروندی با تکیه بر ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی آن جامعه صورت گیرد و چنانچه حتی آن جامعه از پیشینه قوی و قابل اتکاء در این زمینه، برخوردار نباشد، ولی باز هم با استخراج ویژگی‌های همخوان و مشترک، سعی می‌گردد تا بین آموزه‌های جدید با تجارب تاریخی و منطقه‌ای، ارتباط برقرار شده تا زمینه پذیرش بیشتر توسط افراد جامعه فراهم گردد.

در ایران نیز با تکیه بر تجارب تاریخی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی، می‌توان آموزه‌های شهروندی را آموزش داد. در واقع سیر تحولاتی آموزش شهروندی از بعد تربیتی در ساختار جامعه ایران از یک سابقه و قدمت تاریخی بسیار غنی برخوردار است. تربیت شهروندان ایرانی نخست تحت تاثیر فرهنگ زرتشتی قرار داشته و آموزه‌های شهروندی را بر مبنای تثلیث "گفتار نیک- پندار نیک و کردار نیک" بیان شده است و با ورود اسلام با تکیه بر آیین و فضایل اخلاقی و اسلامی رفتارها و هنجارهای آموزشی شهروندی را از بعد تربیتی تا به امروز سپری کرده‌اند. تعالیم اسلامی قسمت اعظم برنامه‌های مدارس بوده است؛ این تعالیم بر "محور اخلاق- اطاعات از والدین، فرمانبرداری از حکومت اسلامی، وظیفه‌شناسی و نیکوکاری به یکدیگر و..." بنا شده است. در واقع آموزش شهروندی از منظر تربیتی در جامعه ایران با توجه به ساختار فرهنگی دارای یکسری از ویژگی‌هاست که شامل مشخصات ذیل می‌باشد. (شربتیان، ۱۳۸۷)

الف) آموزش شهروند به عنوان یک فرد: ساختار تعلیم و تربیت فردی در حوزه آموزش‌های شهروندی باید بگونه‌ای باشد که فرد از طریق این آموزش‌ها بتواند ۱- از آزادی برخوردار باشد. ۲- به دموکراسی یا مردم‌سالاری احترام گذارد. ۳- متکی به خود بوده و من مستقلی داشته باشد که این خود از رشد و تعادل قابلیت‌ها نشات می‌گیرد. ۴- ابتکاری قوی و اراده‌ای با مصمم در زندگی داشته باشد. ۵- حق‌شناسی و حرمت‌گذار باشد؛ و...

ب) آموزش شهروند به عنوان یک عضو از خانواده: این گونه می‌باشد که ۱- شرایط و فضای خانه را به صورت جایگاهی درآورد که سرشار از عشق و شادی‌آور باشد. ۲- خانه را برای آرامش و آسایش و فضای تعامل با یکدیگر مهیا کند. ۳- فضای خانه و تعاملاتی که با سایر اعضای خانواده ایجاد می‌کند به سمت تعلیم و تربیت یا اجتماعی‌شدن سوق یابد. ۴- ارتباطات انسانی را به نحو احسن در فضای خانواده گسترده کند و معاشرت خود را بسط دهد و از آن لذت ببرد؛ و...

ج) آموزش شهروندی به عنوان یک عضو از جامعه: بر اساس این مولفه ۱- باید ساختار آموزش شهروندی از بعد تربیتی به گونه‌ای باشد که فرد یک عضو کارطلب، کارگزار متعهد باشد و بخشی از اوقات خویش را صرف کار نماید تا از این طریق بتواند به توسعه همه‌جانبه جامعه خود در چرخه‌های نظام اجتماعی کمک نماید. ۲- یک عضو جامعه شهروندی به گونه‌ای آموزش می‌بیند که روحیه خدمت به جامعه را در بهزیستن دیگران در خود تقویت کند و به نوعی مددکار مؤثری برای حل مسائل و پیامدهای زندگی دیگران باشد. ۳- شهروند یک جامعه باید ارزش‌های اجتماعی که منجر به اخلاق و رفتار اجتماعی مثبت شده

در خود تقویت کند و به آن‌ها احترام گذارد. ۴- باید روحیه آینده‌نگری و نقادانه‌ای نسبت به فعالیت‌های فرهنگی و تولیدی جامعه در شهروندان بوجود آورد و آن‌ها را بسط و آموزش داد و باید در جهت رشد و بالندگی این نظرگاه‌ها اهتمام زیادی ورزید؛ و...

د) آموزش شهروندی به عنوان یک فرد متعهد در جامعه جهانی: این است که ۱- شهروندان را وطن‌خواه کرد و به عشق جاودانه نسبت به ملت، تاریخ و فرهنگ تمدن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند سوق داد. ۲- شهروندان را برای احترام گذاشتن و حفظ میراث فرهنگی، نمادهای ملی جهانی و دینی آموزش داد و حتی نگهداری آثار گذشتگان و دستاوردهای آنان را تقویت کرد. ۳- باید نهادهای آموزشی مروج ویژگی‌ها و هنجارهای عالی، ملی و بین‌المللی در بین شهروندان و به نوعی حرمت‌گذاری و متعهد به ارزش‌های انسانی و پذیرش قبول مسئولیت‌های ملی و جهانی در بین شهروندان را تقویت کرد.

حال با توجه به این فرایندها هدف از آموزش شهروندی در بعد تربیتی در جامعه ایران این گونه است که:

۱- توسعه و گسترش دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که لازم است برای شهروند آگاه و مسئولیت‌پذیر حاصل کرد.

۲- در حوزه دانش نظری: نهادهای آموزشی باید افراد را به درک از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در سطح مصرف، حفظ امنیت واقف نمود و نسبت به فرایند تصمیم‌گیری در مشارکت اجتماعی و درک شناخت واقعی آگاه کرد.

۳- در حوزه دانش عملی: این نهادها باید مهارت‌هایی از جمله اطلاعات و کاربردهای فرایند پژوهشی و تحقیق، فناوری اطلاعات و ارتباطات و... را آموزش دهند.

۴- در حوزه ارزش‌های فرهنگی و ملی: نهادهای آموزشی هر جامعه‌ای باید با توجه به بعد ملی و جهانی در بین شهروندان عشق ورزیدن به سرزمین، میراث فرهنگی و تاریخ آن جامعه را همراه با نگرشی مثبت بسط دهند، علاوه بر این توسعه ویژگی و صفات شهروند مطلوب در یک جامعه دموکراتیک گام بردارند تا از این طریق بتوانند یک شهروند فعال و مطلع در اجتماع خود نسبت به جامعه ملی و جهانی همراه با تغییرات سریع ایجاد کنند.

با توجه به این موارد، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌گردد. این مولفه ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه همه‌جانبه جوامع صنعتی و روبه پیشرفت است. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتمادبه‌نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی بوجود می‌آورد؛ نقش دیگر این مولفه ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه در ابعاد محلی- ملی و جهانی است. چنین آموزه‌هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و جستجویی برای مساوات‌طلبی است. این آموزه‌ها به روابط اجتماعی بین افراد و روابط افراد و نهادهای ساختار نظام اجتماعی مربوط شود. این فرایند در نهادهای آموزش رسمی جامعه منجر به پرورش شهروندی فعال می‌گردد. در واقع آموزش شهروندمداری در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی بصورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بهره‌مند گردند. یادگیری پارامترهای آموزش رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی کمک شایانی می‌کند. آموزش رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت عملکرد سازمان‌های مدنی بسیار اثرگذار است، این آموزه‌ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی- ملی و جهانی کمک خواهد کرد، آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت و نهادهای قانونگذار، سازمان‌های ملی و محلی، تشکل‌های مدنی و... از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت. (شربتیان، ۱۳۸۷)

آموزش به شهروندان و تربیت آن‌ها در بسط گسترش رفتار شهروندی نسبت به یکدیگر از اهمیت اجتماعی و جامعه‌شناسی برخوردار است به تعبیر تورنی منظور از آموزش شهروندی در حوزه جامعه‌شناسی عبارت است از فرایند انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر. این انتقال شامل موارد مختلفی نظیر: آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به ملت، نگرش مثبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزش‌های بنیادی (مانند حاکمیت قانون و تساهل و تسامح)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت‌های لازم برای فهم سیاست‌های عمومی و نظارت

بر آن‌ها می‌شود.» (شارع پور، ۱۳۸۶: ۳۱۷) بنابراین آموزش در هر جامعه‌ای به دنبال انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است. لذا آموزش‌های شهروندی به دنبال جلب حمایت جوانان از فرهنگ مدنی جامعه است که این امر از طریق فرایندهای آموزشی تحقق می‌یابد. آموزش شهروندی و مهارت‌های آن نسبت به یکدیگر باعث این شده که شهروندان در برخورد با مسائل جمعی و اجتماعی رفتارهای نوع‌دوستانه، جوانمردانه همراه با ادب و مهربانی، خوش‌خویی و حس وظیفه‌شناسی نسبت به یکدیگر پیدا کنند. یادگیری پارامترهای آموزش رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی کمک شایانی می‌کند. در واقع تربیت شهروندان از طریق آموزش رفتارهای شهروندی در قالب پارامترهای اخلاقی، اجتماعی باعث بهبود عملکرد افراد جامعه نسبت به یک زندگی سالم و آرام خواهد شد. (شربتیان، ۱۳۸۷)

آموزش شهروندی در بعد فرهنگی

آموزش شهروندی با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مستقیم دارد، این مولفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه فرهنگی یافتگی نقش موثر دارد. در واقع آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت فرهنگی همراه با عناصر کلیدی آن، همواره در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان که به استقرار فرهنگ می‌انجامد، نقش بارزی می‌تواند داشته باشد. امروزه این آموزش‌ها در تعیین جایگاه فرد در جریان توسعه یافتگی در بستر جهانی شدن از ضرورت‌های دستیابی تلقی می‌گردد.

آموزش شهروندی یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی دارد.^۱ این عنصر از شهروندی علاوه بر زمینه‌های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی و اخلاق مدنی ناظر است. این مولفه آموزشی با مشوق‌هایی چون احساس برادری، همنوعی، تعهد و مسئولیت‌پذیری همراه است. آموزش‌های شهروندی در بعد فرهنگی اشاره به اخلاق شهروندی می‌کند. در واقع باید به آموزه‌هایی حقوقی پرداخت که در یک شهر نسبت به نهادهای اجتماعی، شهروندان باید اجرا نمایند. آموزش شهروندی از بعد فرهنگی شامل «آموزش مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هایی می‌شود که انعطاف‌پذیری بسیاری دارند و این امر ناشی از وجود تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگی است که در جامعه شکل می‌گیرد، از نظر ترنر آموزش فرهنگ شهروندی ارتباط به مشارکت فرهنگی افراد جامعه دارد و باید شهروندان در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه آموزش ببینند و خود را مسئول بدانند و در گسترش آن مشارکت نمایند.» (شربتیان، ۱۳۸۷) مفاهیم کلیدی که در حوزه فرهنگ آموزش شهروندی باید به آن توجه بسیاری کرد شامل "مسئولیت‌پذیری شهری- قانونمند بودن شهروندان- هنجارپذیری الگوهای شهرنشینی" است. در واقع در آموزش شهروندی باید سعی نمود تا این مفاهیم فرهنگی را، آموزش داد ضمن اینکه می‌توان به وسیله آموزش رسمی در مدارس، مفاهیم فرهنگی شهروندی را از همان آغاز کودکی درونی کرد. اگر به این مولفه‌های آموزش توجه نشود هر جامعه‌ای با هزینه‌های بسیاری روبرو خواهد شد و به ناچار باید به طور دائم، کنترل اجتماعی را بر شهروندان افزایش داد که این مسئله ممکن است پیامدهای فرهنگی و اجتماعی بسیاری را با خود بوجود می‌آورد.

گی‌ارمه در بحثی پیرامون فرهنگ شهروندی به این مساله اشاره می‌کند که از ویژگی‌های آموزش فرهنگ شهروندی این است که شهروندان را با تاریخ و ساختار محیطی که در آن زندگی می‌کنند آشنا کنیم، همچنین قواعد و سلوک دموکراتیک را به شهروندان آموزش دهیم. در واقع اشاره به این ویژگی است که فرهنگ به نوعی برای شهروندان، ویژگی تکلیف‌مدارانه بوجود می‌آورد که باید اخلاق مدنی و روحیه‌مداری بیشتری از شهروندان در جهت سازگاری با جامعه صادر گردد. آموزش شهروندی در بعد فرهنگ اشاره به حمایت قانونی از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های موجود در یک جامعه می‌کند که باید شهروندان به پذیرش این خرده فرهنگ‌ها بپردازند و احترام متقابلی برای آن‌ها در یک جامعه قائل شوند که این مسئله در سازگاری اجتماعی

^۱ - برای بررسی بیشتر، ر.ک: اخلاق شهروندی. پدیدآورنده: ناصر بورد. ناشر: یوسف زهرا (س)، ۱۳۹۰.

و رشد اخلاق مدنی کمک بسیاری می‌کند. بر این اساس آموزش‌هایی که به شهروندان در زمینه حقوق اشتراکی و رعایت فرهنگ اقلیت‌ها داده می‌شود، نقش بارزی در توسعه فرهنگی شهروندی دارد.» (شربتیان، ۱۳۸۷)

بوجود آمدن اخلاق مدنی و رشد روابط اخلاقی در جامعه، بدون وجود آموزش‌های ضروری مولفه‌های شهروندی، بسیار مشکل و گاه دست‌نیافتنی است. بدون آموزش‌های جهت‌یافته و مستمر شهروندی، نمی‌توان انتظار داشت که افراد در روابط اجتماعی خود، به اصول اخلاقی دموکراتیک پایبند بوده و به رعایت حقوق فردی و اجتماعی دیگران پایبند باشند. آموزش فرهنگی شهروندی، بر این نکته مهم تاکید دارد که شهروندان باید نسبت به فرهنگ‌های دیگر موجود در جامعه، ارزش و احترام گذاشته و به نوعی با انعطاف به تنوع فرهنگی جامعه، بنگرند. ضرورت چنین انعطاف‌پذیری که منجر به پذیرش تنوع فرهنگی می‌شود، اخلاق مدنی و سازگاری اجتماعی است.

ذکر این نکته ضروری است که گرچه افراد نیازمند شناخت و آگاهی‌ها در زمینه مسایل و امور مختلف از جمله حقوق و مسئولیت‌های خود هستند، اما صرفاً آگاهی آنها را به شهروند تبدیل نکرده و شهروندی را محقق نمی‌سازد. این پدیده هنگامی که افراد و گروه‌ها به منابع مختلف دسترسی داشته و بسترها و فرصت‌های فعالیت و پذیرش آزادانه مسئولیت‌ها برای آنان مهیا شود، به منصف ظهور خواهد رسید. بنابراین، میزان آگاهی و به تبع آن عمل شهروندی به مثابه یکی از عناصر اصلی جامعه در تعامل با سایر عوامل در سطوح فردی و ساختاری است. (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۹)

بنابراین صرف آموزش شهروندی، در پذیرش تنوع فرهنگی در جامعه کافی نبوده بلکه باید ارتباط بین فرهنگی در جامعه و تعامل افراد با فرهنگ‌های گوناگون با یکدیگر، فراهم گردد تا افراد از نزدیک با فرهنگ‌های دیگر آشنا شده و از ویژگی‌های مختلف فرهنگ‌ها اطلاع یافته و بدین طریق بتوانند، بسترهای بوجود آمدن آن فرهنگ‌ها و نقش‌های مختلف افراد در فرهنگ‌های مختلف را درک نمایند. در این صورت باید امیدوار بود که آموزش شهروندی از بعد فرهنگی، همراه با تعامل افراد با فرهنگ‌های مختلف و پذیرش آزادانه مسئولیت‌ها در فرهنگ‌های دیگر، منتج به نتیجه این آموزش‌ها که همان آموزش مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها با انعطاف بالای فرهنگی است، خواهد شد.

ضرورت آموزش و تربیت شهروندی

نقش مطبوعات در آموزش شهروندی را می‌توان در مجموعه آموزش بزرگسالان، طبقه‌بندی نمود. در توجه به آموزش بزرگسالان و برنامه‌ریزی برای آن، باید موارد مهمی را مدنظر قرار داد. از جمله این که باید توجه نمود که بزرگسالان دارای زمینه غنی از دانش و تجربه‌اند و هنگامی به بهترین وجه، یاد می‌گیرند که این تجربه مورد پذیرش قرار گیرد و اطلاعات جدید بر مبنای دانش و تجربه گذشته آنها باشد. همچنین باید دقت نمود که بزرگسالان بر مبنای ترکیبی از نیروهای درونی و بیرونی خود انگیزش پیدا می‌کنند. تنها تکیه بر پاداش‌ها و منفعت‌های بیرونی و یا انگیزه‌های درونی، نمی‌تواند در آموزش بزرگسالان، کافی باشد. همچنین تمامی بزرگسالان شیوه‌های مرجع و متفاوت پردازش اطلاعات دارند که ضمن اینکه آنان را در فراگیری آموزش‌های بزرگسالی، کمک می‌کند اما برنامه‌ریزان آموزش بزرگسالی را به دقت بیشتری فرا می‌خواند. نکته مهم دیگر اینکه احتمال دارد بزرگسالان به میل خود به یادگیری نپردازند مگر اینکه یادگیری برای آنان معنادار باشد. از طرفی تعلیم و تربیت شهروندی، موضوعی ساده و مشخص شده نیست و می‌توان گفت یک مفهوم چالش برانگیز است که تحت تاثیر ایدئولوژی‌های مختلف، باعث انتظارات متفاوتی می‌شود، از این رو ممکن است با اصطلاحات دیگر مانند تعلیم و تربیت سیاسی، تعلیم و تربیت اخلاقی، تعلیم و تربیت مدنی، تعلیم و تربیت ملی‌گرایانه، تعلیم و تربیت اجتماعی و سواد سیاسی به کار برده شود؛ اما با این وجود می‌توان گفت آموزش شهروندی عبارت از رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، است. (حاجی‌پور، ۱۳۸۹: ۴۷)

جوامع مختلف دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص آنچه که شهروندی را تشکیل می‌دهد، حقوقی که به شهروندان اعطاء می‌شود و وظایفی که آنان باید برای دستیابی به این حقوق انجام دهند، دارند. اگرچه تمام فرهنگ‌های سیاسی برداشت‌های مختلفی از شهروندی ارائه می‌کنند، اما جنبه‌های مشترک معینی نیز وجود دارد، الگوی سنتی شهروندی حلقه‌های کلیدی تابعیت

(وفاداری) را شناسایی می‌کند (خانواده هسته‌ای، ایالت، دولت، ملت) و یک زمینه سیاسی - اقتصادی. شهروندی مجموعه‌ای از ارتباطات عمده بین مردمی است که می‌خواهند از حالت طبیعت یعنی حالتی از زندگی که به صورت منزوی، فقیرانه و بدور از پاکیزگی و به صورت حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند. از این رو شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقاء رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند. شهروندی دارای ماهیت دوگانه اجتماعی و سیاسی است. ماهیت اجتماعی به این نکته اشاره دارد که شهروندان چگونه باید با یکدیگر تعامل کنند، در حالی که جنبه سیاسی آن به تعامل شهروندان با دولت اشاره دارد. گرچه هر دو جنبه برای یک شهروند جهت مشارکت در یک جامعه دموکرات اساسی هستند. (قائدی، یحیی، ۱۳۸۵).

افلاطون و شاگردش ارسطو انسان را جانوری شهری می‌دانند و برآنند که انسان، به طبیعت اجتماعی است و جامعه زمینه تحول طبیعی اوست، خردمندی از ویژگیهای حقیقی چنین شهروندی است. برای درک جامعه‌ای با زمینه دموکراسی نیازمند شهروندانی آزاد و برابر است و قانون محور حکومت سیاسی است. نیتم نیز دموکراسی را از ویژگیهای جامعه و شهروند می‌شمارد. گرچه نیتم و توکویل نگران استبداد اکثریت هستند، اما در عین حال ادامه‌دهندگان راه دموکراسی هستند و در دموکراسی آنها، شهروندان خردمند و روشنگر و دارای اندیشه آزاد و آزادی فردی هستند. دیویی نیز دموکراسی و عقلانیت فردی را از خصوصیات شهروندی می‌شمارد. هگل نیز به جنبه اجتماعی آدمی و آزادی حقیقی که در گرو پدید آمدن جامعه‌ای است که آدمیان را از بند سود شخصی وارهاوند، روح اطاعت از قانون و جستجوی آرمانهای اجتماعی را در آنان پدید آورد. (نقیب زاده، ۱۳۷۵)

بستگی شهروندی و تربیت را در بادی امر می‌توان در نظرات فلاسفه تربیتی ملاحظه کرد. به نظر افلاطون شهر زیبا و نیک تنها بر بنیاد تربیت پی افکنده می‌شود. فلسفه سیاسی ارسطو نیز به زمامدار خردمند توجه ویژه‌ای کرده است که آن نیز از طریق تربیت ممکن است. برای بنیاد دموکراسی مبتنی بر خرد و روشنگری و آزادی اندیشه و گفتار و آزادی فرد تاکید می‌کند که این همه تنها از راه تربیت امکان‌پذیر است. دیویی بستگی دقیقی بین تربیت و دموکراسی برقرار می‌کند و تنها دموکراسی‌هایی را پایدار می‌داند که از سر آگاهی باشد. از نظر هگل نیز تربیت حقیقی گذر از جنبه فردی و رسیدن به آزادی است. (قائدی، یحیی، ۱۳۸۵).

با توجه به اهمیت زندگی اجتماعی و جمعی افراد و توسعه روزافزون نیاز آنها به استفاده صحیح و عادلانه از امکانات و تسهیلات جامعه و مهم‌تر از همه با توجه به طی مسیر توسعه و تعالی برای هر جامعه‌ای که شرایط آن، نهادینه کردن ارزش‌های مشترک را ایجاب می‌کند، می‌توان به ضرورت آموزش شهروندان پی برد. دلایل ضرورت آموزش شهروندان را می‌توان در دو مقوله مشکلات فردی و اجتماعی - فرهنگی نشان داد. (کاظمی، احسان. ۱۳۸۹: ۳۴۵)

مشکلات فردی:

- رعایت نکردن حقوق اجتماعی، قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و حقوق شخصی افراد.
 - وجود مهاجرت‌های ناهمگن و پیدایش خرده‌فرهنگ‌ها.
 - ضرورت حضور اتباع خارجی تحت عنوان جهانگرد و... در کشور.
 - رشد صنایع و پیچیدگی آنها.
- مشکلات اجتماعی - فرهنگی
- بروز مشکلات ناشی از نبود عدالت اجتماعی.
 - ضرورت اجتماعی زندگی کردن افراد.
 - هماهنگی با محیط پویا و تغییرات سریع محیط اجتماعی.
 - بروز رفتارهای نامساعد در خانواده و اجتماع.
 - پیدایش بیماری‌های مسری.
 - افزایش تعارض در میان سطوح مختلف اجتماعی.

- پیدایش مشکلات جدید اجتماعی.
- ضرورت بهینه‌سازی مدیریت شهری.
- بالا بودن سطح ناهنجاری‌های اجتماعی.

شکی نیست که تعلیم و تربیت به عنوان سرمایه‌گذاری برای آینده جامعه، محسوب می‌گردد و با همین نگاه، جوامع تمام تلاش خود را برای ایجاد سیستمی کارآمد و علمی در زمینه تعلیم و تربیت می‌نمایند و سعی می‌کنند تا از هیچ گونه هزینه‌کرد در این زمینه کوتاهی ننمایند، چرا که تمامی این هزینه‌ها را به عنوان، سرمایه‌ای برای بهبود وضعیت زندگی خود در آینده می‌بینند. آموزش شهروندی را نیز باید از همین منظر نگریست که در واقع تلاش دارد تا با ایجاد انگیزه و افزایش دانش شهروندی، افراد جامعه را به شهروندانی فعال تبدیل نماید که بتوانند نقشی سرنوشت‌ساز در زندگی خود و حضوری فعال در حفظ و گسترش منافع جمعی، ایفا نمایند.

هر جامعه‌ای به منظور توسعه و تداوم حیات پویا، به وجود افراد آموزش‌دیده و با تجربه نیاز دارد. اگر توانایی‌های افراد جامعه پاسخ‌گوی این نیاز باشد، آموزش‌های آنها ضرورت چندانی ندارد اما اگر چنین نباشد، لازم است سطح مهارت، توانایی انطباق-پذیری افراد جامعه افزایش یابد. آموزش شهروندی ضمن اینکه موجب افزایش سطح آگاهی‌های آنها می‌گردد، حتی باعث آشنایی افراد با حقوق آنها در خانواده شده و از این جهت باعث کاهش اختلافات خانوادگی و دوام زندگی مشترک می‌گردد،^۱ ضمن اینکه زمینه لازم برای درک مشکلات اجتماعی را نیز مهیا می‌کند. این درک، نقطه آغازین برای ایجاد تعادل در رفتار جامعه است. به طور حتم، این تعادل، فوایدی را به همراه دارد که گسترش احساس مسئولیت در بین افراد جامعه، بهبود فرهنگ جامعه، کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و بهبود بخشیدن به روابط سازمان‌ها و افراد جامعه از جمله فواید این آموزش‌ها می‌باشد. (کازمی، احسان. ۱۳۸۹: ۳۴۷)

تربیت شهروندی با عناصر و مؤلفه‌هایی نظیر دانش شهروندی، مهارت‌های شهروندی، نگرش شهروندی مسئولیت‌پذیری، تفکر منطقی، احترام به حقوق فردی، مشارکت سیاسی و اقتصادی، حفظ هویت و فرهنگ ملی، اهتمام در توسعه منابع ملی، تلاش برای خودکفایی، کاربست دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی در حل مسائل جاری و غیره در ارتباط است. امروزه تعلیم و تربیت شهروندی با درک چالش‌های جامعه مدرن که برخی از آنها ذیلاً مطرح می‌گردد، درصدد است تا اصول اساسی شهروندی را در افراد نهادینه کند. این چالش‌ها عبارتند از (فتحی و واحد، ۱۳۸۵ ص ۱۰۰):

- امروزه افراد موانع ملی را درک کرده و در مقابل آن واکنش سریع نشان می‌دهند.
- امروزه افراد حقوق فردی و همچنین حقوق اقلیت‌های بومی را به خوبی می‌شناسند.
- امروزه افراد می‌دانند که ساختارهای سیاسی موجود، در حال از هم پاشیدن است و ساختارهای سیاسی جدید در حال رشد هستند

- امروزه نقش و موقعیت زنان در جامعه تغییر کرده است.

- امروزه الگوهای کار و تجارت تغییر یافته است و اقتصاد جهانی بر روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی تأثیر شگرفی گذاشته است.

- امروزه انقلاب اطلاعات، ارتباطات و تکنولوژیکی بر جامعه تأثیر عظیمی بر جای گذاشته است.
 - امروزه جمعیت جهانی رو به رشد است و پیامدهای ناشناخته‌ای بر محیط زندگی انسانها باقی می‌گذارد.
 - امروزه شکل‌های جدید جامعه ظهور می‌یابد و اعتراضاتی را نیز به همراه خود دارا است.
- هدف تعلیم و تربیت شهروندی پرورش شهروندان خوبی است که بتوانند در مقابل چالش‌های فوق عملکرد مناسبی از خود نشان دهند.

^۱ - برای بررسی بیشتر، رک: حقوق شهروندی در امور خانواده. پدیدآورنده: معاونت آموزش قوه قضاییه (تدوین). ناشر: جنگل، ۱۳۹۰.

تربیت و آموزش شهروندی و شهروندمداری در واقع در برگیرنده یادگیری دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی است که با ماهیت و شیوه‌های اداری یک نظام مردم‌سالار و مشارکتی همخوانی و ارتباط دارد و عملاً به عنوان وسیله‌ای برای پرورش احساس تعلق به جامعه و داشتن هدفی در زندگی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی بوجود می‌آورد. در واقع هدف از چنین تعلیماتی، پرورش "مسئولیت اجتماعی و اخلاقی"، "فعالیت‌گرایی اجتماعی" و "سواد سیاسی" و... می‌باشد. اجرای یادگیری و تربیت شهروندی در واقع سطح حداقل حقوق ساختاری و سیاسی فرد را در جامعه مشخص می‌کند، از سوی دیگر آگاهی نسبت به حقوق فردی-سیاسی و اجتماعی افراد را تقویت می‌کند. مردم‌سالاری و مشارکت در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی-فرهنگی-اقتصادی و دینی را بسط می‌دهد. به نوعی این آموزش‌ها رعایت عدم اعمال تبعیض، برابری و مساوات‌طلبی در بهره‌مندی از عرصه‌های زندگی را در بین شهروندان ترویج می‌دهد. تربیت شهروندی در گسترش جامعه مدنی از جمله توسعه NGOها، هویت‌های فرهنگی و فردی نقش بارزی می‌تواند داشته باشد، آموزش حقوق انسانی و جنسیتی، سطح حداکثر ادغام، حداقل درآمد، ایجاد امنیت جنسیتی-فیزیکی-اجتماعی-روانشناختی، مشارکت فعال ایجاد قابلیت، سواد سیاسی، کسب مهارت‌های برای انجام تغییر چون زبان یا توانایی در تجهیز گروهی، ایجاد مهارت و آموزش برای عمل و... همگی از موارد اجرایی تربیت و آموزش شهروندی است. (شربتیان، ۱۳۷۸)

حضور فعال شهروندان در انجمن‌های مردم‌نهاد، باعث شده است تا بر اهمیت این انجمن‌ها روزبه‌روز افزوده شود، بطوری که امروزه دولت در سایه از جمله بحث‌های مهمی است که در خصوص سازمانهای مردم‌نهاد، مطرح است. دولت سایه در طول دوران پس از جنگ جهانی دوم، رشد یافته و در طول دهه ۱۹۹۰ بسط و توسعه یافت و با تاکید بر سازمانهای مردم‌نهاد، گسترش یافت. دولت سایه به وجود مجموعه سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد بر می‌گردد که از تقسیمات مختلف بخش‌های داوطلبانه، منشعب می‌شود که با برنامه‌های آسایش اجتماعی که از سوی دولت حمایت مالی می‌شوند، تجهیز می‌شوند. بدین طریق فراهم نمودن خدمات از طریق سازمانهای مردم‌نهاد، مدیریت خدمات را از کنترل دموکراتیک سنتی مجزا می‌کند، البته همین مسئله تاکید می‌کند که علاقه دولت در دستور کار فعالیت سازمانهای قرار داده شود که این موضوع باعث محدودیت فعالیت سیاسی آنها می‌شود. سازمانها می‌توانند باعث بوجود آمدن فضایی در دولت سایه شوند که بتوانند اتصال گفتمانهای محلی مهاجران در گروههایی که مهم هستند را بوجود آورند؛ اما طبیعی است که برای این که افراد پی به اهمیت انجمن‌های مردم‌نهاد، وظایف آنان و نقششان در توسعه جامعه ببرند، نیاز به آموزش شهروندی وجود دارد. بنابراین با توجه به دگرگونی سریع جامعه، آموزش شهروندان نه تنها مطلوب است، بلکه فعالیتی است که هر جامعه‌ای باید برای آن منابعی در نظر بگیرد تا همواره شهروندانی کارآمد، مطلع و آگاه پرورش دهد.

هدف اساسی آموزش شهروندی در هر جامعه‌ای، انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است. لذا آموزش شهروندی به دنبال جلب حمایت جوانان از فرهنگ مدنی جامعه است که این امر از طریق فرآیندهای آموزشی تحقق می‌یابد. (حاجی‌پور، ۱۳۸۹: ۴۶)

نقش آموزش شهروندی در جامعه

به اعتقاد یکی از پژوهشگران علوم اجتماعی به نام کی‌ثر^۱، ماهیت پیچیده و چالش‌برانگیز مفهوم آموزش شهروندی موجب ارائه تعبیرها و دیدگاه‌های مختلفی از آن شده است. توجه به این تعبیرها و دیدگاه‌ها تصویر مفهوم شهروندی را در حاله‌ای از ابهام-های برخاسته از زمینه‌های اصلی شکل‌دهنده آموزش شهروندی، شامل سنت تاریخی، موقعیت جغرافیایی، ساختار اجتماعی و سیاسی، نظام اقتصادی و گرایش‌های نوین جهانی ارائه خواهد داد. این کارشناس علوم اجتماعی بر این باور است که مسائلی چون کثرت‌گرایی، چندفرهنگی، میراث و تنوع فرهنگی و نژادی، تساهل، انسجام اجتماعی، حقوق جمعی و فردی و

^۱ -keer

مسئولیت‌های شغلی و حرفه‌ای، عدالت اجتماعی، هویت ملی و آزادی‌طلبی، کار آموزش شهروندی را با چالش‌های اساسی روبه‌رو کرده است و این عوامل موجب شده است که تعریف مشترکی از مفهوم آموزش شهروندی حتی در بین ممالکی که اهداف ملی مشترکی از جمله ترویج آموزش شهروندی و ارزش‌های آزادمنشانه‌ای را دنبال می‌کنند، ارائه نشود. (کی‌ثر ۱۹۹۹، به نقل از آقازاده، ۱۳۸۵)

با وجود چنین برداشت‌هایی از عدم وجود تعریف مشترکی از آموزش شهروندی، اما آنچه مورد توافق قرار گرفته است، ضرورت و لزوم آموزش شهروندی است. آموزش رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت عملکرد سازمان‌های مدنی بسیار اثرگذار است، این آموزه‌ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح "محلی- ملی و جهانی" کمک خواهد کرد، چنین اشاعه‌ای در ابعاد نوع‌دوستی و پذیرش عمومی از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع نقش آموزش شهروندی به افراد جامعه را باید در قالب شناختی که شهروندان نسبت به قوانین و مقررات جامعه بدست می‌آورند مورد بررسی قرار داد که هر شهروندی در جامعه از این آموزه‌ها چه برداشتی می‌کند.

آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت و نهادهای قانونگذار، سازمان‌های ملی و محلی، تشکل‌های مدنی و... از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت؛ در این راستا بخشی از این آموزه‌ها در مورد انتظارات از مدیریت شهری جامعه است و همچنین نقش شهروندان در قبال مدیریت شهری را آموزش می‌دهد. این آموزش‌ها راجع به اصول زندگی شهروندی، رعایت حقوق شهروندان و مقررات شهری و دولتی و... می‌باشد. این آموزه‌های مدنی در واقع به سمت قانونمندکردن زندگی شهری سوق یافته است، از طریق این آموزه‌ها سعی شده که پیامدها و مخاطرات اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و روانی مدیریت شهری را کاهش داد. هدف این است که از طریق آموزه‌های رسمی و غیررسمی بتوان برای افراد جامعه مشخص کرد که در قوانین و مقررات شهری چه جایگاهی دارند و به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام مدیریت شهری چه وظایفی را باید اجرا کنند و باید انتظار داشته باشند. در واقع نقش آموزش قوانین و مقررات شهروندی یکی از مهمترین نقاط اتصال مدیریت شهری با شهروندان قلمداد می‌شود؛ بنابراین آموزش و پرورش شهروندان از طریق آشنایی و شناخت آنان در پرتو قوانین و مقررات شهری چه بصورت رسمی و غیررسمی باعث این می‌شود که شهروندان نقش پویاتری در مشارکت شهری و مفهوم شهروندی داشته باشند. (صرافی- عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

نقش رفتاری آموزش شهروندی به شهروندان یک جامعه را می‌توان در پنج بعد خلاصه نمود:

الف) نوع‌دوستی که شامل رفتارهای یاری‌دهنده و کاملاً داوطلبانه به منظور کمک به شهروندان می‌باشد.
ب) جوانمردی که در این بعد شهروندان همراه با رفتارهای جوانمردانه خود سعی بر این می‌کنند که خرده‌جویی‌ها و خرده‌گیری‌ها را نسبت به یکدیگر کاهش دهند.
ج) خوش‌خوبی نمونه دیگری از آموزش رفتارهای شهروندی نسبت به یکدیگر است که باید به صورت مشارکت فعالانه و مسئولانه بین شهروندان توسعه داد.

د) ادب و مهربانی بعد دیگری از رفتارهای شهروندمدارانه نسبت به یکدیگر است، این رفتارها مانع ایجاد مشکل و مساله در محیط‌های مختلف زندگی شهروندان خواهد شد، در واقع نقش و احترام و تکریم یکدیگر شهروندان و رعایت حقوق شهروندان نسبت به یکدیگر در گسترش این نقش رفتاری بسیار موثر است.

ه) وظیفه‌شناسی: بخش دیگری از رفتارهای شهروندمداری است که باید در قالب برنامه‌های درسی و غیردرسی به دانش‌آموزان و دانشجویان و سایر افراد جامعه آموزش داد که این بعد دینی تلاشی فراسوی الزامات رسمی است که هر فردی باید در جهت همیاری همکاری و توسعه همه جانبه خود در خود بوجود آورد. (هویدا- نادری، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۵)

با توجه به تشریح و بسط ابعاد رفتاری آموزش شهروندی، این پدیده اجتماعی نقش بسیار بارزی در بسط و گسترش سرمایه اجتماعی دارد و منجر به توسعه جوامع بشری گردیده است. در واقع نقش چنین تعلیماتی رابطه تنگاتنگی با رفتارهای اخلاقی و اخلاق دارند، براین اساس نهادینه‌کردن آموزش‌های شهروندی منجر به بروز شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی شده است.

نقش این آموزه‌های مدنی در جوامع امروز باعث تقویت مشوق‌هایی چون "احساس برادری، همنوعی، تعهد و مسئولیت‌پذیری و..." می‌شود. نقش این آموزه‌ها در جامعه باعث نظارت اجتماعی بالایی در بین شهروندان خواهد شد که شهروندان نسبت به یکدیگر به رعایت نظم اجتماعی و احترام به حقوق یکدیگر می‌پردازند، علاوه بر این اعتماد اجتماعی را در بین شهروندان گسترش می‌دهد. (شربتیان، ۱۳۸۷)

آموزش رسانه‌ای

با گسترش فوق‌العاده رسانه‌ها در جهان کنونی، زندگی انسانها به شدت تحت تاثیر رسانه‌ها قرار گرفته است. در این میان بحث آموزش رسانه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته است.

هنگامی که از آموزش رسانه‌ای سخن به میان می‌آید عموماً کاربرد آن در مدارس و آموزش‌های راه دور تداعی شده و مورد توجه قرار می‌گیرد.^۱ در هر جریان عام ارتباطی، رسانه مناسب سهم عمده‌ای در تسهیل انتقال پیام بین فرستنده و گیرنده دارد. در موقعیتهای آموزشی نیز رسانه‌ها علاوه بر این نقش عمومی، وظایف ویژه‌ای نیز اعمال می‌کنند که مهمترین آنها عبارتند از: ۱- برقراری ارتباط موثر (جلوگیری از سوءتعبیرهای احتمالی که اغلب ناشی از بهره‌گیری صرف از کلام است- جلوگیری از حواس پرتی و رویایی شدن مخاطب). ۲- ایجاد انگیزه یادگیری و کمک به تداوم آن (به کارگیری رسانه‌های مناسب نظیر چارت، عکس، فیلم و... سبب بیدار شدن انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان می‌شود). ۳- شکل‌دهی تجارب دست اول و یا نزدیک به آن. (امیر تیموری، ۱۳۸۷: ۵۸)

اما آموزش رسانه‌ای تنها به کاربرد آن در مدارس و آموزش‌های راه دور محدود نمی‌شود، چرا که رسانه‌ها به ویژه رادیو و تلویزیون، ظرفیت‌ها و توانایی‌های بسیار گسترده‌تری برای آموزش در تمام سطوح و حوزه‌ها دارند و کارکرد آموزشی آنها تمام اشکال و مواد رسانه‌ای را در بر می‌گیرد. از این رو نقشی که رسانه‌های گروهی در شکل‌دهی به هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها ایفا می‌کنند، نوعی آموزش تلقی می‌شود که بسیار فراتر از آموزش‌های رسمی است و کل گستره مخاطبان رسانه‌ها را شامل می‌شود. مخاطبان آموزش‌های رسانه‌ای مستقیماً عموماً کسانی هستند که به صورت عمدی برای کسب اطلاعات از رسانه‌ها استفاده می‌کنند اما هنگامی که از آموزش‌های غیرمستقیم یا پنهان سخن می‌گوییم، مخاطبان گاه به صورت منفعل و ناخودآگاه در معرض اطلاعات رسانه‌ای قرار می‌گیرند و برای انجام رفتارهای خاص و کسب مهارت‌ها، هنجارها و ارزش‌های ویژه آموزش می‌بینند. (رضایی بایندر، ۱۳۸۲)

مولفه‌های تربیت شهروندی

شهروند دارای حقوق مختلفی است که در قبال زندگی در جامعه، باید به آن حقوق دسترسی داشته باشد. در حقوق مدنی، شهروند باید از آزادی‌هایی که در قانون اساسی به او داده شده است، بهره‌مند شود. حقوق سیاسی شهروند حق دخالت در امور سیاسی را به او می‌دهد. حق کار و شغل، حق تحصیل و حق امنیت و... از جمله حقوق اجتماعی شهروندان است؛ اما شهروندان در مقابل این حقوق، دارای وظایف و تعهداتی هم هستند که ضمن زندگی در جامعه و بهره‌مند شدن از حقوق شهروندی، باید به عنوان یک شهروند مسئول نیز این وظایف و تعهدات را انجام داده و دارا باشند. از جمله تعهدات شهروندی اطاعت از قانونی است. همچنین مشارکت در پرداخت هزینه‌های عمومی مانند مالیات و عوارض نیز از جمله تعهدات شهروندی است. شهروندان وظیفه دارند تا در مقابل مواردی که جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد، هوشیار و آماده بوده و هرگاه کشور به آنها نیاز داشته باشد، کوتاهی نکنند.

^۱ - برای بررسی بیشتر، رک: رسانه‌های یاددهی - یادگیری: شناسایی، انتخاب، تولید و کاربرد. پدیدآورنده: محمدحسن امیر تیموری. ناشر: ساوالان، ۱۳۹۰.

اما برای اینکه شهروندان به حقوق و تعهدات خود آگاه شوند، نیاز به آموزش و تربیت شهروندی وجود دارد. گرچه می‌توان گفت که هر کشور بستگی به شرایط سیاسی و اجتماعی خود، اهداف ویژه‌ای را در آموزش و تربیت شهروندان، دنبال می‌کند، اما برخی از وجوه مشترک هم هستند که بطور عمومی مورد توجه بوده و از اهداف آموزش شهروندی محسوب می‌شود.

صاحب‌نظران با توجه به نوع نگاه خود، مولفه‌های مختلفی را برای شهروندی در نظر می‌گیرند. «مینکر» احساس تعهد، احساس برابری، کنجکاوی و ترقی‌طلبی، اطاعت از قانون، توجه به نفع عمومی، مشارکت و غیره را از جمله مولفه‌های اساسی شهروندی می‌داند. «توماس اس دی» مشارکت، تعاون، همکاری و دانایی‌محوری و «می هویی لیو» آراستگی شخصی، دانش محوری ملی و جهانی، سخت‌کوشی، وطن‌دوستی، تبعیت از قانون، نوع‌دوستی، مشارکت و «فالكس» مسئولیت‌پذیری، بسط ارتباطات انسانی، کل‌نگری، احترام به اصول اخلاقی و «سامرز» تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، درک نیازها و نگرش دیگران، رفتار متعهدانه و غیره را مدنظر قرار می‌دهند. از صاحب‌نظران کشورمان نیز «مهر محمدی» اندیشه‌ورزی و ژرف‌اندیشی، سعه‌صدر و تحمل اندیشه‌های مختلف، قانون‌گرایی، احساس خودارزشمندی، عزت و اعتمادبه‌نفس، تمایل به رقابت سازنده، عدم تمکین به روابط مبتنی بر قدرت مستبدانه، تقویت روحیه پرسشگری و کنجکاوی، تمایل به تفکر خلاق و واگر در حل مسائل مربوط به محیط پیرامون، توانایی و جرات در ابراز اندیشه را از جمله ویژگی‌هایی می‌داند که مفهوم شهروندی بر آنها مبتنی است. (مهرمحمدی، ۱۳۷۷: ۲۱)

بورن^۱ مولفه‌های شهروندی مطلوب را شامل موارد زیر می‌داند:

۱- توانایی برای مذاکره و مشارکت با دیگران، احترام به تفاوت‌ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی بدست آوردن اطلاعات و بیان عقاید و ایده‌ها.

۲- اطمینان و جرات برای فراکنش عمل کردن، داشتن عقاید مستقل، عمل مستقلانه و مسئولیت‌پذیری.

۳- دانش درباره اموری چون نحوه سازمان یافتن جامعه، عملکرد دولت ملی و محلی، آگاهی از عقاید و دیدگاه‌های اساسی احزاب سیاسی عمده کشور، ایدئولوژی و فلسفه سیاسی. (حاجی‌پور، ۱۳۸۹: ۲۵)

بر اساس تحقیقی که توسط «لی ونگ آن» در سطح آسیا انجام شده است و در آن از رهبران تربیتی ۱۲ کشور آسیا در خصوص هدف‌های برنامه درسی پرسش شده است. اهداف زیر در رابطه با آموزش شهروندی، به دست آمده است. (لی، ۱۹۹۹). به نقل از فراهانی، ۱۳۸۹: ۸۷)

- فراهم‌سازی مبنایی برای رشد روحی و روانی یادگیرندگان.
- تقویت غرور ملی.
- تقویت ارزش‌های بنیادین خانواده.
- ارتقاء مسئولیت‌پذیری شخصی.
- افزایش آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی.
- فراهم کردن اصول راهنما برای رفتار در زندگی روزمره.
- کمک به افراد در دستیابی به یک شخصیت مستقل و منطقی.
- افزایش علاقه و قدرشناسی به میراث فرهنگی و هویت ملی.
- کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش بردباری و تحمل.
- افزایش احترام به ارزش‌هایی چون عدالت و برابری.

بر اساس این اهداف، برنامه درسی شهروندی باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

^۱ -Born

آگاهی از محیط زیست، ارزش‌های شهری، ارزش‌های خانوادگی، تنوع و چندفرهنگی، ارزش‌های اخلاقی، صلح و حل تضادهای هویت ملی و وطن‌پرستی، آگاهی از مسائل جهانی، تساوی جنسیت، ارزش‌های مربوط به اهمیت کار در زندگی و استقلال شخصی.

اما جدا از این، می‌توان برخی از مولفه‌های عمومی‌تری را نیز برای تربیت شهروندی مطرح نمود. به طور کلی می‌توان مولفه‌های زیر را برای تربیت شهروندی برشمرد (واحد و کاظمی، ۱۳۸۵):

الف) دانایی محوری

دانایی محوری به عنوان مهم‌ترین مؤلفه متشکله شهروندی، گام اول مشارکت فعال، مسئولیت‌پذیری و غیره به شمار می‌رود. دانایی محوری عبارت از داشتن آگاهی در زمینه موضوعات تاریخی، اجتماعی، فرهنگی در سطح محلی، ملی، بین‌المللی است که به عنوان پیش‌نیازی اساسی برای شهروندی به شمار می‌رود. اصولاً تصمیم‌گیری‌های مهم جامعه اغلب نیاز به شهروندانی دارد که قادر به درک اطلاعات وسیع سطح جامعه، گزارشات و بررسی‌ها باشند.^۱

ب) وطن‌دوستی

اصولاً یک شهروند، به شهر و کشورش احساس تعلق می‌کند. وطن‌پرستی به معنای وفاداری نسبت به کشور خود و دیدن مصالح جامعه در انجام فعالیت‌های روزانه است. همانگونه که فرد در هنگام تولد، خود را عضو یک خانواده می‌بیند و تلاش می‌کند تا مرزهای پیشرفت خانواده را فراهم سازد، شهروندان نیز عضو یک جامعه کلان محلی و ملی هستند که باید در توسعه زمینه‌های مختلف مربوط به کشور خود کوشا باشند.

ج) قانون‌مداری

قانون، عاملی است که زمینه انسجام و یگانگی میان افراد جامعه را فراهم می‌سازد. شهروند تلاش می‌کند قوانین را حتی اگر مغایر با نفع شخصی او باشد، در زندگی به کار گیرد. قانون‌مداری به معنای گردن نهادن به روال‌ها و منفعل بودن نیست. قانون‌مداری فرایند بسط شعور شهروندی برای وصول به اهداف کلان زندگی اجتماعی و سپس تلاش منطقی برای اصلاح هر گونه قانونی است که امکان استفاده بیشتر را از امکانات و استعدادها فراهم ساخته و زمینه پیشرفت و ترقی را میسر سازد.

د) مسئولیت‌پذیری و تعهد

شهروندی مفهومی است که با مسئولیت و مسئولیت‌پذیری آحاد جامعه همراه است. در جامعه مدنی، شهروند دریافته است که بی‌مسئولیتی انسان‌های پیرامونی، او را در مسیر پرنوسانی قرار می‌دهد و چنانچه خود نیز نسبت به پدیده‌های پیرامونی بی‌مسئولیت باشد محیط زندگی خود و دیگران را دچار آسیب می‌کند. زیباترین احساس خوشایند در مقوله شهروندی، تلاش برای همکاری و تعاون و بار مسئولیت خود و دیگران را به دوش کشیدن است.

ه) مشارکت

بانک جهانی، مشارکت را فرآیندی می‌داند که در آن دینفعان در ایجاد و توسعه نوآوری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و منابعی که بر این نوآوری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مؤثرند نفوذ و کنترل دارند. بر این اساس مشارکت مردم و شهروندان فعل و انفعالی است که برای شهروندان این امکان را فراهم می‌کند در قاعده‌سازی و فرمول‌بندی سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی که بر کل جامعه مؤثر است، شرکت جویند.^۲

و) انتقادگری و انتقادپذیری

^۱ - برای بررسی بیشتر، رک: به سوی جوامع دانایی محور. پدیدآورنده: علی حسین قاسمی، سیروس آزادی. ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸.

^۲ - برای بررسی بیشتر، رک: شهر، شهروند و مشارکت. پدیدآورنده: محسن نوغانی، کمال الدین حسینی، غلامرضا کیوان، مسعود ایمانیان. ناشر: به نشر، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد، ۱۳۸۹.

یک بعد بسیار مهم از توانمندی شهروندان جامعه دموکراتیک و متکثر که به مشارکت نیاز دارد، تفکر انتقادی است. تفکر انتقادی فرآیندی است که به افراد کمک می‌کند تا شیوه بررسی دقیق آنچه را که به آن معتقدند دریابند و دلائل اعتقاد خود را توسعه دهند. یک تفکر اندیشمندانه، منطقی، خودگردان و منظم، تفکری است که شخص در هنگام تصمیم‌گیری، آنچه را که به آن معتقد است، انجام دهد. جوامع به افرادی نیازمندند که صاحب تفکرات منتقدانه باشند. متفکران منتقد پیشگامان تغییر در جامعه هستند. آنها آینده خود و جامعه‌شان را هیچ وقت تمام شده تلقی نمی‌کنند.^۱

منابع و ماخذ

۱. آقازاده، احمد (۱۳۸۵). اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم: ۴۷-۵۱.
۲. امیر تیموری، محمد حسین (۱۳۸۷). رسانه‌های یاددهی - یادگیری. ناشر: ساوالان.
۳. حاجی پور، رضا (۱۳۸۹). آموزش شهروندی (آنچه شهروندان باید بدانند). انتشارات فرهنگ سبز.
۴. رضایی بایندر، محمد رضا (۱۳۸۲). بررسی نقش رسانه‌ها در آموزش مهارت‌های شهروندی و رفتارهای مدنی. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی. سال دهم، شماره ۳۳.
۵. شربتیان، محمد حسن (۱۳۸۷). تاملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن. فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی، شماره ۹ و ۸: ۱۱۹-۱۵۴.
۶. شیانی، ملیحه (۱۳۸۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳: ۸۰-۶۰.
۷. صرافی، مظفر. عبدالهی، مجید (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳: ۱۱۵-۱۳۴.
۸. فتحی و اجارگاه، کورش. واحد چوکده، سکینه (۱۳۸۵). شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم.
۹. فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). تربیت شهروندی. نشر آبیژ، تهران.
۱۰. قائدی، یحیی (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم.
۱۱. کاظمی، احسان (۱۳۸۹). شهروندی از اصول تا عمل. سازمان تفریحی شهرداری اصفهان.
۱۲. لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، دوره پائین: ۴۴-۱۱.
۱۳. نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۷۵) درآمدی به فلسفه، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
۱۴. مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۷). آموزش و پرورش و جامعه مدنی، مجله پژوهش‌های تربیتی، جلد ۶، شماره ۳ و ۴.
۱۵. واحد چوکده، سکینه و محمد کاظمی (۱۳۸۳). شهروندی لازمه شهرنشینی. تبریز: سمینار علمی - تخصصی شهرها و مردم.
۱۶. هویدا، نادری. رضا، ناهید. (۱۳۸۸). بررسی سطح رفتاری شهروندی سازمانی کارکنان. پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال نهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۳): ۱۱۸-۱۰۳.

^۱ - برای بررسی بیشتر، رک: پیش درآمدی بر چیستی نقد (تاملی بر تعریف، اقسام، قواعد، عوامل، موانع و ... نقد و انتقاد). پدیدآورنده: محمد منصورنژاد، ۱۳۸۴.

Citizenship Education and the Need for this Education

Yonos Gheisizadeh

Master of educational science, discipline of educational planning, Islamic Azad University, Branch of Bushehr

Abstract

This research mainly focuses on citizenship education and the need for such education and it uses a descriptive - library research method. Citizenship education refers to providing information about the public issues of the society. Actually, citizenship education and educating citizens in a society causes the three main elements of citizenship including "legal system", "a sense of national membership" and "a sense of social belonging" to be influential in the intercultural communication of any society. Citizenship education is part of urban management. In fact, it is through the education of citizenship rights and collective life skills and identification of the urban management principles that the government and legislative bodies, the national and local organizations, civil organizations etc. can play a significant role in educating citizens. In this regard, part of this education is related to the expectations of the urban management of society and education of the role that citizens play for urban management. The results of this study contributes well to citizenship education.

Keywords: education, citizenship, urban management, people
